

## مقاله پژوهشی: راهبردهای دانشگاه عالی دفاع ملی در مسیر تمدن‌سازی

در افاق ۱۴۱۰ ه.ش

[20.1001.1.20084897.1400.19.86.13.0](https://doi.org/10.1001.1.20084897.1400.19.86.13.0)

اسماعیل احمدی مقدم<sup>۱</sup>

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

### چکیده

فرمانده معظم کل قوا<sup>(مدظله العالی)</sup> در بیانیه موسوم به گام دوم انقلاب اسلامی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی، نقش ویژه ای برای دانشگاه‌ها قائل شدند. در همین چارچوب، «دانشگاه عالی دفاع ملی» دارای نقش ویژه ای در تربیت مدیران شایسته برای مرحله ساخت دولت اسلامی و جامعه اسلامی و همچنین حضور فعال در فرایند تصمیم‌گیری در سطح ملی و نیروهای مسلح است. هدف این مقاله ارائه راهبردهای برای چگونگی ایفای این نقش و کارکرد برای دانشگاه عالی دفاع ملی به عنوان یک دانشگاه پیشرو در تراز انقلاب اسلامی در افاق ۱۴۱۰ هجری شمسی است. تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، کیفی از نوع اکتشافی به شمار می‌آید که پس از مرور مبانی نظری، پیشینه‌شناسی و با انجام مصاحبه (داده‌های کیفی) ۱۰ نفر از خبرگان حوزه مدیریت راهبردی، داده‌های تحقیق گردآوری و مدل نهایی تکمیل و ارائه شده است. براساس یافته‌های پژوهش، دانشگاه عالی دفاع ملی برای ایفای نقش مؤثر در زمینه‌سازی تحقق تمدن نوین اسلامی باید اهداف کلان و راهبردهایی را که از مصاحبه با خبرگان به دست آمده است را تحقق بخشد. مدل ارائه شده از ۷ هدف کلان تشکیل شده و برای تحقق این اهداف، مجموعاً ۵۹ راهبرد احصاء گردیده است.

**واژگان کلیدی:** راهبرد، دانشگاه دفاع ملی، تمدن نوین اسلامی، اهداف کلان.

**مقدمه**

لازمه داشتن کشوری قدرتمند در عصر حاضر اتکا به کلیه داشته های تاریخی و ایجاد مستمر دگرگونی خلاق حاوی محتوای فرهنگی دو پاره تمدن ملی ما یعنی اسلامیت و ایرانیت است و تنها از این طریق می توانیم بر موج سهمگین یکسان سازی تمدن غرب فائق شد. در این مسیر، دانشگاه حلقه اتصال و تعادل بخش تمدنی جامعه بزرگ ایران اسلامی است. تجمیع جویبارهای متعدد هویتی که به برکه هویتی کشورمان سرازیر شده، با دانش و معرفتی که از محیط دانشگاه می جوشد و به بنیان های شناخت هویتی و تمدنی تمدن های مختلف آگاه است، میسر است. پر کردن شکاف تمدنی و ایجاد تفاهم بیناذهنی در شناخت کیستی و چیستی مسلمان ایرانی و در نهایت دستیابی به احیا و بازسازی آرمان تمدن نوین ایرانی - اسلامی، نیازمند بازتعریف نقش و مأموریت دانشگاه در رسیدگی و بررسی این امر مهم است؛ زیرا دانشگاه به عنوان کانون محوری علم و دانش در حالی که خود یکی از ستونهای اصلی تشکیل دهنده تمدن است، بستر ساز توسعه و ساخت سایر ابعاد مفهومی تمدنی است، لذا نقش محوری و اساسی بر عهده اوست (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸: ۱۸۵-۱۸۴). در همین راستا، در اولین دیدار هیئت امنای دانشگاه دفاع ملی با فرمانده معظم کل قوا (مدظله العالی) ایشان هدف پی ریزی تمدن ایرانی اسلامی را طرح و به نقش این دانشگاه در تحقیق این هدف بزرگ اشاره نمودند. با گذشت چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی و با گذر از مرحله انقلاب و نظام سازی در کشور ایشان در بیانیه موسوم به گام دوم انقلاب، مجددا با اشاره به ظرفیت های انسانی مادی و موقعیت ژئوپلیتیکی کشور به شکل عملیاتی هدف دستیابی به تمدن ایرانی اسلامی را طرح نمودند و دانشگاه دفاع ملی در این زمینه دارای نقش ویژه ای در تربیت مدیران شایسته برای مرحله ساخت دولت اسلامی و جامعه اسلامی و همچنین حضور فعال در فرایند تصمیم گیری در سطح ملی و نیروهای مسلح می باشد.

تاریخچه تاسیس دانشگاه به قبل از وقوع انقلاب اسلامی بر می گردد و بعد از آن در قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۶ تشکیل دوره و دانشگاه علوم استراتژیک تصریح گردید<sup>۱</sup> و در سال

۱. ماده ۵۴ قانون: «دانشگاه علوم استراتژیک: دوره این دانشگاه برای آموزش، مطالعه و تحقیق در زمینه سیاست کلی نظامی و خط مشی کشور در امور دفاعی به مدت یک سال خواهد بود. فارغ التحصیلان دانشکده فرماندهی و ستاد و دارندگان مدارک فوق لیسانس و دکترای مورد نیاز ارتش در درجات سرهنگی و سرتیپ دومی و همچنین کارمندان که دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر می باشند، سه بار حق شرکت در ارزیابی و مسابقه ورودی این دانشگاه را دارند. مقامات مملکتی که نظامی نبوده ولی به نحوی از انحاء در مسائل دفاعی مسئولیت هایی دارند و همچنین فرماندهان و مدیران رده بالای سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی با معرفی شورای عالی دفاع می توانند این دانشگاه را طی نمایند. ستاد مشترک مکلف است نسبت به تشکیل

۱۳۷۱ تأسیس گردید. در سال ۱۳۸۱ دانشگاه به ستادکل نیروهای مسلح و آگادار و منتقل و در سال ۱۳۹۵ با انحلال معاونت راهبردی، بخش‌های تحقیقاتی آن مجموعه به همراه مرکز تحقیقات راهبردی به دانشگاه منتقل و در آن ادغام گردید. تا این زمان دانشگاه صرفاً فعالیت‌های آموزشی داشته و تحقیقات صرفاً در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی و مطالعات گروهی انجام می‌گرفت. در سال ۱۳۹۷ مدرسه حکمرانی در دانشگاه با هدف توانمندسازی و هم‌تاسازی و تربیت مدیران راهبردی کشور تأسیس گردید. بامراجعه به فرمایشات و تدابیر فرمانده معظم کل قوا و ستادکل نیروهای مسلح می‌توان دریافت که دانشگاه فاصله زیادی با نقطه آرمانی در پاسخ به انتظارات از خود دارد. با مطالعه برنامه دانشگاه و ارزیابی عملکرد ستادکل در سال ۱۳۹۹ از دانشگاه، می‌توان دریافت که دانشگاه نیاز به یک برنامه و راهبرد عملیاتی برای گذر از گلوگاه‌ها و خروج از گردابه‌هایی دارد که پرداختن به آنها (گرچه کارهای مفیدی نیز بعضاً هستند) آن را از مسیر خود دور می‌سازد و این راهبردها باید به گونه‌ای باشند که قابلیت اجرا، ارزیابی و توسعه و به‌روز نگهداری داشته و توان مواجهه با عدم قطعیت‌ها و تغییرات محیطی را داشته باشند. لذا مسأله در این تحقیق: تدوین «راهبردهای دانشگاه عالی دفاع ملی برای دوره ده ساله آینده» است. در این مقاله سعی می‌شود با بهره‌مندی از نظرات خبرگان، راهبردهای مؤثر برای تبدیل دانشگاه عالی دفاع ملی به یک دانشگاه تمدن‌ساز و در تراز انقلاب اسلامی طراحی و تدوین شود.

## مبانی نظری

### پیشینه‌شناسی تحقیق

مقالات بسیاری در حوزه «دانشگاه اسلامی» و «دانشگاه تراز انقلاب اسلامی» و همچنین «تمدن‌سازی» و «تمدن نوین اسلامی» و همچنین درباره «دانشگاه عالی دفاع ملی» نگاشته شده است. در ادامه به معرفی برخی از مهمترین تحقیقات مرتبط با پژوهش حاضر اشاره می‌شود.

#### جدول ۱. مروری بر پژوهش‌های مرتبط

ردیف	اسم نویسنده	سال	یافته‌های تحقیق
۱	علی مبینی دهکردی، احمد سلمانی،	۱۳۹۴	مقاله « <b>بیانیه ماموریت دانشکده مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی در نظام آموزشی روزآمد</b> »، با هدف تدوین بیانیه ماموریت با نگاه آینده‌نگاری

این دانشگاه اقدام و اساسنامه و مواد آموزشی آن را تهیه و به تصویب شورای عالی دفاع برساند» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۶).

<p>در سطح راهبردی مدیریت برای دانشکده مدیریت راهبردی تنظیم شده است. نوآوری این تحقیق در تعیین حوزه های کلان پاسخگویی و امتیاز متمایز دانشکده مدیریت راهبردی و تعیین اهداف اساسی هر حوزه بویژه در حوزه راهبردی مدیریت میباشد. نتایج تحقیق بیانگر این است گرچه رتبه بندی نیات راهبردی و حوزه های کلان پاسخگویی یعنی؛ تعلیم و تربیت، خدمات اجتماعی و در نهایت تولید و نوزایی علمی متفاوت می باشد اما این تفاوت با توجه به عدم تایید فرضیه معنادار نیست. و حوزه های مذکور در سطح اطمینان ۹۵٪ دارای اولویت یکسان می باشند.</p>		<p>محمود معین الدینی</p>	
<p>پژوهش «تعیین ویژگی های عناصر چهارگانه برنامه درسی دانشگاه عالی دفاع ملی با رویکرد ابتثائی»، با هدف تعیین ویژگی های عناصر چهارگانه برنامه درسی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع، براساس نظریه ابتثائی انجام شد. نتایج نشان داد که در عنصر هدف، همکاری با مراکز آموزشی و پژوهشی، علمی و نظامی در عنصر راهبردهای یاددهی-یادگیری، استفاده از راهبردهای مشارکتی در عنصر محتوا، استفاده از مباحث چالش برانگیز و نیازمند گفتمان و در نهایت در عنصر ارزشیابی، استفاده از ارزشیابی گروهی و خودارزشیابی مورد تاکید قرار گرفت.</p>	۱۴۰۰	<p>مرتضی شاه مرادی، محمد شاه محمدی</p>	۲
<p>پژوهش «طراحی مدل برای توسعه بهتر سرمایه های انسانی مبتنی بر نیازهای خودتعیین گری و آموزشی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی)» باهدف طراحی مدلی برای توسعه بهتر سرمایه های انسانی با نیازهای خودتعیین گری و آموزشی دانشجویان انجام شد. نتایج تحلیل عاملی، نشان داد که نگرش نسبت توسعه، احساس برتری، وفاداری سرمایه های انسانی، رهبری توسعه گرا، بازمینی و بررسی، سیاست گذاری، فرهنگ سرمایه های انسانی، برابری سرمایه های انسانی و فضای سرمایه های انسانی عوامل مدیریت سرمایه های انسانی را تشکیل می دهند. همچنین ارتباط مثبتی بین توانمندسازی روانشناختی و عوامل تسهیل کننده مدیریت سرمایه های انسانی وجود داشت. بنابراین بر اساس یافته های مطالعه کاملا مشخص است که توجه به عوامل فرهنگی، سیاسی، شخصیتی و آموزشی برای ارتقای و توسعه مدیریت سرمایه های انسانی مهم و ضروری است که حتما باید مورد توجه قرار گیرد.</p>	۱۳۹۹	<p>عباس چهاردولی، مهدی یوسف وند</p>	۳

### مفهوم‌شناسی تحقیق

**دانشگاه:** کلمه «دانشگاه» برای برگردان واژه «یونیورسیتی»<sup>۱</sup> به کاررفته است. در دائره‌المعارف جدید بریتانیکا، این گونه آمده است که «یونیورسیتی» از کلمه لاتین «یونیورسیتاس» گرفته شده است که اصطلاحاً به مفهوم «انجمن مدرسان و پژوهشگران» است. واژه نامه آکسفورد، دانشگاه را «مؤسسه تعلیم و تربیت در سطوح عالی برای کسب مدرک و انجام پژوهش» تعریف نموده است (نجانان طوسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۵).

دانشگاه در لغت نامه دهخدا به معنای: ۱. جای دانش، محل تعلیم و تعلم دانش؛ ۲. مؤسسه علمی وسیع شامل چند دانشکده و مؤسسه می باشد. در کل انبوهی از تعاریف را مشاهده می کنیم که ممکن است باهم تعارض داشته باشند. دانشگاه محل آموزش است؟ محل پژوهش است؟ محل انتقال اطلاعات است؟ دانشگاه محل فضیلت جویی و حقیقت جویی است؟ دانشگاه محل یادگیری است؟ و از این قبیل سوالات. دانشگاه جامع در حوزه های گوناگون علمی فعالیت کرده و آموزش و پژوهش می کند. دانشگاه در تمام دنیا، خاستگاه اندیشه ها و طرح های نو است. دانشگاه پویا و فعال و شاداب، ابزارها و اندیشه های ترقی آفرین را خلق می کند و می تواند در رشد فرهنگی اجتماع و اقتصاد مؤثر باشد، لازمه ایفای نقش از سوی دانشگاه ها حضور شخصیت های نواندیش در دانشگاه و ارتباط آن با حوزه های مختلف اندیشه، علم و فناوری است. دانشگاه مهم ترین و اساسی ترین مکانی است که قادر است روحیه خلاقیت، ابتکار خودباوری و اعتماد به نفس را در نسل جوان شکوفا سازد دانشگاه‌ها از گران‌بهارترین ذخایری هستند که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد. در واقع در این سازمان‌ها به ارباب رجوعی خدمت می شود که خود، محصول این نظام است. وجود تخصص بالا و نیازهای مختلف، پیچیدگی ماهیت و مدیریت آنها را دوچندان می کند. تحولات محیطی نیز آسیب‌پذیری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را افزایش داده است. البرت و وتون معتقدند که دانشگاه‌ها باید برای خود هویت دوگانه‌ای را قائل شوند: هویتی هنجاری (تکلیفی و قاعده‌گرا) که همان تصویر سنتی و ایدئولوژیک آن است و هویتی سودمندگرا که تصویر اثربخش بودن نسبت به هزینه را مدنظر دارد و در آن، دانشگاه به نهادی همانند کسب و کارهای خدماتی دیگر می ماند (جوانبخش و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۳).

**دانشگاه تراز انقلاب اسلامی:** دانشگاهی که با توجه به نظام شامل و فراگیر آن یعنی انقلاب اسلامی و برای تحقق اهداف و آرمان های این انقلاب، منطبق بر دیدگاه امامین انقلاب بازتعریف و طراحی شده و لذا

<sup>1</sup> University

قرائتی ویژه از دانشگاه اسلامی متناسب با نیازمندی‌ها، کارکردها و ویژگی‌های انقلاب اسلامی است و نقش خود را در دوگانه تمدن نوین اسلامی یا سراب توسعه غربی به درستی ایفا می‌کند (برزنونی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱).

در دانشگاه اسلامی همه ابعاد آموزشی، پژوهشی، پرورشی و اخلاقی، با اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی هماهنگ است؛ به گونه‌ای که استاد و دانشجو، در کلیه برخوردها، معاشرت‌ها، آموزش‌ها و پژوهش‌ها، هم‌رنگ و هماهنگ با اسلام راستین بوده و از آن تخلف نکنند. استاد و دانشجو تمام فکر، تلاش و معلومات خود را در راه اسلام صرف نموده و آن را آرمان نهایی و خاصیت وجودی خود در دانشگاه بدانند. خلیلی عراقی، معتقد است که دانشگاه اسلامی یعنی یک دانشگاه زیبا؛ یعنی همه ابعادش باید متناسب باشد. مرتضوی، این گونه عنوان نموده است که دانشگاه اسلامی، مجموعه‌ای علمی و هماهنگ و سازگار با جامعه اسلامی و برآورنده نیازهای علمی این جامعه است. در این تعریف، مسئله هویت علمی، جهت‌گیری اسلامی، خدمتگزاری به جامعه، احساس مسئولیت سیاسی، استقلال و تهذیب، جای می‌گیرد. سهراب پور، دانشگاه اسلامی را محیطی میدانند که فرهنگ و باورها و افکار اسلامی بر آن حاکم بوده و از نظر علمی در سطح بسیار بالا باشد که تبعاً خروجی‌های آن، فارغ‌التحصیلان متدین، مخلص و دانشمند خواهند بود. دانشگاه اسلامی، مرکزی تربیتی، علمی، آموزشی و پژوهشی است که از تمامی منابع معرفتی عقل، وحی، تجربه و حتی شهود باطنی در اندیشه ورزی، نظریه پردازی، پژوهش و تولید علوم بهره‌افز می‌گیرد و نظام پژوهشی، آموزشی و تربیتی خود را بر پایه بهره‌گیری از تمامی این منابع سامان میدهد. تولید اندیشه‌ها و الگوهای رفتاری در این دانشگاه، مبتنی بر روشمندی ویژه‌ای از حل چالش‌های علم و دین است که هم خود را متعهد به حفظ خلوص و اصالت آموزه‌های دینی میدانند و هم به ارزش‌دستاورد‌های می‌پیشرفت زندگی بشری معتقد است (نجاران طوسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۵).

تمدن: تعاریف متعددی از تمدن به معنای هستی‌شناختی آن ارائه شده که هر کدام بر وجهی خاص و کارکردی ویژه از تمدن تأکید دارند. به عنوان نمونه، ابن خلدون مؤلفه‌های این پدیده را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، و هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت می‌داند. هنری لوکاس در مورد عناصر و مؤلفه‌های تمدن به عناصر کلی اقتصاد، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و دینی، معرفت و هنر اشاره می‌کند. ساموئل هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی می‌

شمارد. ویل دورانت تمدن را عبارت از نظم اجتماعی می‌داند که در اثر خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند (آدمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲).

بر اساس تعاریف موجود از تمدن، کشوری متمدن است که از شاخصه‌های توسعه انسانی و فرهنگی در گذشته و حال برخوردار بوده باشد. از این رو ولاهاوس مؤلفه‌های تمدن را مقررات و قانون، دولت، خط، هنر، زبان، دین و دانش تعریف می‌کند. مؤلفه‌های یک تمدن را می‌توان به دو دسته مؤلفه‌های نرم افزاری و مؤلفه‌های سخت افزاری تقسیم کرد. در نگرشی عام، مؤلفه‌های نرم افزاری را می‌توان به علم، دین و هنر تقسیم کرد. این سه، عناصر ذهنی و معنوی یک تمدن هستند که در طول تاریخ آن تمدن، تجلیات عینی چندی را محقق ساخته‌اند؛ یعنی همان مؤلفه‌هایی که ما از آنها به عناصر سخت افزاری تمدن یاد می‌کنیم. مؤلفه‌های سخت افزاری شامل مواردی نظیر جمعیت انسانی، شهر (هم به معنی دولت و نظام سیاسی و هم به معنی سرزمین)، اقتصاد و فناوری می‌شود. نقش مؤلفه‌های نرم افزاری در حقیقت معنی و محتوابخشی به رفتار یک گروه از انسانها در طول تاریخ تمدن خاصی است؛ در حالی که مؤلفه‌های سخت افزاری نظام‌هایی هستند که رفتارهای این انسانها را در درون و بیرون تنظیم می‌کنند؛ برای مثال فناوری شکل خاصی از رفتار انسانها برای تولید است که همه افراد یک تمدن را به شکل نظام یافته‌ای به سمت تولید معینی هدایت می‌کند (نظم درونی) و آنها را با همه افراد بیرون آن تمدن در آن شیوه تولید هماهنگ می‌نماید (نظم بیرونی) (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸: ۱۶۴).

**طرح:** طرح از واژه لاتین پلانوم به معنی سطح هموار آمده است و نخستین بار در قرن هفتم میلادی وارد زبان انگلیسی شد و سپس به سایر زبان‌ها راه یافت و در ابتدا به معنای نقشه که در یک سطح صاف تهیه می‌شود، بکار رفت. طرح، فرآیندی نظری و کیفی است که داده‌های نرم مانند تجارب، نیات و ایده‌های موجود را در گفتگوهای روزانه افراد ترکیب کرده و درصدد ارائه نیت و هدف سازمانی روشنی است. طرح مجموعه‌ای از تلاش‌های سیستماتیک و هدفمند در جهت رسیدن به اهداف بلندمدت است (بخش میدانی، ۱۳۹۵: ۱۸). ستاد کل نیروهای مسلح طرح را این‌گونه تعریف می‌کند: «طرح به مجموعه‌ای از تلاش‌های سیستماتیک و هدفمند در جهت رسیدن به اهداف بلندمدت است و تمامی صاحب‌نظران مدیریت، طرح‌ریزی را اولین و مهم‌ترین وظیفه یک مدیر به شمار آورده‌اند. (معاونت طرح و برنامه ستاد کل، ۱۳۹۰: ۹) محمد تقی نوروزی در تعریف طرح آورده است: «مجموعه شیوه‌ها و روش‌های کلی که برای رسیدن به هدف و انجام امور انتخاب می‌شود». (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۵۷) طرح انواع مختلفی دارد که می‌توان به «طرح راهبردی، طرح عملیاتی، طرح

تاکتیکی، طرح پدافندی، طرح جامع، طرح رزمایش، طرح فریب و طرح مشترک» اشاره کرد. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۶۶-۴۵۹)

**طرح راهبردی:** طرح راهبردی یک رویکرد برای مقابله با چالش‌های جدی است که سازمان یا بخش-هایی از سازمان یا جوامع با آن روبروست، مقابله با این چالش‌ها نیازمند مشورت و نظم رده‌های مدیریتی است. همه‌ی سازمان‌ها بطور مداوم در حال تغییر هستند، حتی سازمان‌هایی که خود را ثابت و بدون تغییر می‌انگارند، معمولاً به شیوه‌های مختلف در حال تغییر هستند. یک مدیر راهبردی به دنبال این است که سازمان چه چیزی می‌خواهد باشد و چگونه باید به آن برسد. تاکنون تعاریف متعددی برای طرح راهبردی ارائه شده است، که در زیر به آوردن تعدادی از تعاریف داخلی و خارجی اشاره می‌شود:

- یک طرح راهبردی بستر یا چارچوبی است که برای عملی ساختن تفکر راهبردی و تحقق نتایج مشخص تهیه شده است. (پاتریک. ج. بیلو و همکاران، ۱۹۹۰: ۱۵).
- طرح راهبردی تلاشی است جمعی و منظم برای تولید تصمیمات اساسی و اقداماتی است که یک سازمان (یا سایر نهادها) را شکل می‌دهد و هدایت می‌کند. (برایسون، ۲۰۱۱: ۳).
- طرح راهبردی ابزاری است مدیریتی که هدف آن کمک به سازمان برای انجام بهتر کارهاست. زیرا طرح بر روی انرژی، منابع و زمان هر فرد در سازمان تمرکز می‌کند و بازتاب دهنده ارزش-های سازمان است. (اوسلن، ۲۰۰۷: ۳).
- طرح راهبردی فرآیندی است که راهبردهای مناسب را برای رسیدن به اهداف خاص تولید می‌کند. طرح راهبردی فرآیندی است که طی آن سوالات و بحث‌ها و مشکلات طرح و سپس رفع شده و اغلب کیفیت تصمیمات راهبردی را نیز تعیین می‌کند. (استنلی آبراهام، ۲۰۱۲: ۴).
- طرح راهبردی مسیر آینده سازمان را پیش‌بینی می‌کند (این که آیا سازمان در مسیر خود ادامه می‌دهد یا مسیر دیگری را برمی‌گزیند)، پیش‌بینی این که چگونه بازار، مشتری و خط تولید تغییر یا واکنش نشان می‌دهد و تاب‌آوری سازمان در برابر ریسک محاسبه می‌شود. در واقع طرح راهبردی، نقشه راهی است برای موفقیت و متحدکننده رهبری سازمانی و ارتباطات و اطلاعات مهم سازمان را افزایش می‌دهد. (بارکسدول و لاند، ۲۰۰۶: ۷).
- طرح راهبردی نقشه راهی است برای اعمال تغییرات مداوم در سازمان و تضمین آینده آن (دیویس فاگ، ۱۹۹۹: ۴).



**فرآیند مدیریت راهبردی:** مدیریت استراتژیک دارای الگوهای گوناگونی است از جمله: مدل‌ها روارد، مدل سیستم‌های برنامه ریزی استراتژیک، مدل مدیریت ذینفعان، مدل رویکردهای محتوایی، مدل مدیریت مسائل استراتژیک، مدل افزون گرایی منطقی، استراتژیهای فرآیندی مذاکرات استراتژیک و دیگر الگوهایی که در همین راستا بیان شده اند. در این پژوهش، منظور از الگوی مدیریت استراتژیک، الگوی جامع مدیریت استراتژیک است که توسط دیوید<sup>۱</sup> (۱۳۸۲) ارائه شد. این الگو گویای این است که مدیریت استراتژیک دارای سه مرحله اصلی تدوین، اجرا و ارزیابی استراتژی است. فرآیند مدیریت استراتژیک از تعیین مأموریت آغاز می‌شود و به سوی ارزیابی عملکرد حرکت می‌کند. این فرآیند، یک فرآیند پویا و مستمر است که تغییر در هر یک از ارکان الگو، موجب تغییر در دیگر ارکان آن خواهند شد و فرآیند مدیریت استراتژیک را هیچ پایانی نیست. لازم به ذکر است که در مقاله حاضر، نویسنده بر روی گام اول یعنی طرح‌ریزی راهبردی قرار دارد و متمرکز است. مراحل الگوی جامع مدیریت راهبردی (استراتژیک) دیوید عبارتند از:

**تدوین استراتژی:** تدوین استراتژی شامل تعیین مأموریت، شناسایی عوامل درونی و بیرونی، تعیین اهداف بلندمدت و انتخاب استراتژی می‌شود. برنامه ریزی استراتژیک، خشت نخستین (بنیان) هر اجتماع مشترک سود است. برنامه ریزی استراتژیک، یک فرآیند تکرارپذیر و رفت و برگشتی است با هدف تنظیم سازمان با محیط متغیر بیرونی. برنامه ریزی استراتژیک انسان پایه است نه فرآیند پایه، اصولی است نه سطحی، برنامه ریزی گراست نه برنامه گرا، ریسک افزاست نه ریسک گاه، تصمیم گراست نه وظیفه گرا، در فضای باز انجام می‌شود نه در پشت درهای بسته، آشفته و هم ستیز گراست نه آرام و هماهنگ گرا، کنشی است نه واکنشی، سنجیده است نه نسنجیده، متمرکز است نه پراکنده، یک روش زندگی است نه یک کنش تنها، نقشه راه آینده است نه برنامه فعالیت سال آینده، نوآرانه است نه دستوری. برنامه ریزی استراتژیک، مجموعه‌ای از قوانین نیست بلکه تصمیماتی گروهی است، چشم انداز فردی نیست بلکه چشم اندازی است گروهی و همچنین این که توسط مدیران انجام می‌شود نه توسط برنامه ریزان (رهنما، خاکپور و صادقی، ۱۳۹۱: ۱۸۱-۱۷۹).

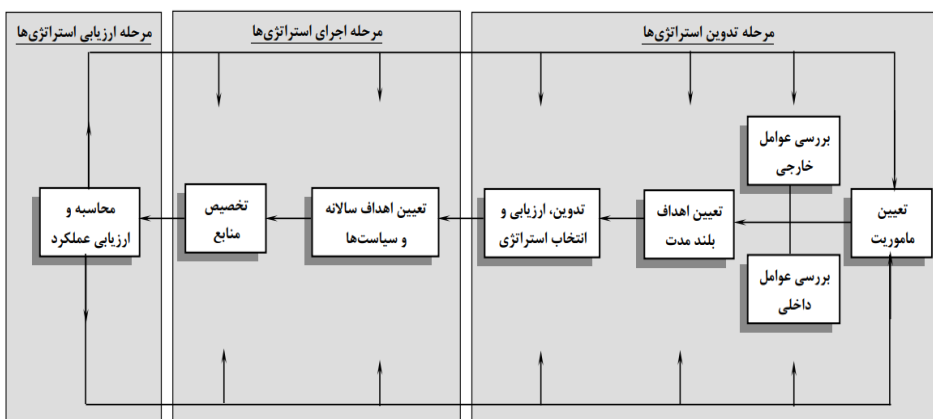
**اجرای استراتژی‌ها:** در این مرحله استراتژی‌های تعیین شده در مرحله تدوین بایستی به اجرا در آینده برای اجرای استراتژی‌ها ابتدا اهداف سالانه و سیاست‌های عملی در راستای اهداف بلند مدت و

<sup>۱</sup> David

استراتژی‌ها تعیین شده و بر اساس آنها منابع سازمان تخصیص داده می‌شوند و سپس در ساختار مناسبی و با فرهنگ سازنده هدایت می‌شوند تا استراتژی‌ها به اجرا در آیند.

**ارزیابی استراتژی‌ها:** در این مرحله تغییرات احتمالی عوامل اثرگذار داخلی و خارجی و اثرات احتمالی آنها بر مأموریت، اهداف و استراتژی‌ها و راه کارهای اجرایی بررسی می‌شود، همچنین نحوه انجام هر کدام از مراحل تدوین و اجرای استراتژی از ابعاد مختلف مورد مذاقه قرار می‌گیرند و در نهایت نتایج بدست آمده و نحوه دستیابی به آنها عملکرد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند تا انحرافات احتمالی شناسایی شده و در جهت رفع آنها اقدام شود (دیوید، ۱۳۸۲).

شکل ۱: مدل جامع مدیریت راهبردی (استراتژیک)



**فرآیند دگرگونی دانشگاه‌های مدرن از پیدایش تا کنون:** دانشگاه‌های مدرن دنیا در طول دهه‌های گذشته، دوره‌های مختلفی را پشت سر گذاشته‌اند. با توجه به این دگرگونی‌ها، نسل‌های مختلف دانشگاهی در طول ادوار مختلف در جوامع مدرن پدیدار گردید که در ادامه به این نسل‌های دانشگاهی اشاره می‌شود:

**دانشگاه نسل اول:** دانشگاه آموزش محور دانشگاه نسل اول که برآمده از اصلاحات ناپلئون بناپارت در آموزش عالی فرانسه بود، نهادی دولتی، متمرکز، آموزش محور بود که هدف آن تربیت نیروی انسانی متخصص برای برنامه‌های دیوان‌سالاری دولتی بود. در دانشگاه‌های نسل اول، رسالت اصلی دانشگاه، ارائه‌ی آموزش و صدور مدرک تحصیلی بود. در این دانشگاه‌ها نوعی نخبه‌گرایی وجود داشت و معمولاً طبقات خاص وارد دانشگاه می‌شدند و آموزش عالی یک امتیاز تلقی می‌شد تا یک حق

عمومی. در دانشگاه نسل اول مسئولیت اصلی دانشگاه متمرکز بر آموزش بود و کمترین میزان سازگاری با نیازهای علمی، اجتماعی و فرهنگی محیط را دارا بود. (قیامت، ۱۳۹۸: ۱۲۸-۱۲۵).

**دانشگاه نسل دوم:** دانشگاه پژوهش محور دانشگاه های نسل دوم برآمده از فلسفه ی هومبولتی و دانشگاه آلمانی است که هویت و عملکرد آن با توسعه ی مرزهای دانش تعریف می گردد. در این دانشگاه، علاوه بر مأموریت های آموزشی دانشگاه های نسل اول، رویکرد پژوهش های کاربردی در حل مشکلات جامعه جزو وظایف اصلی دانشگاه تلقی می گردد. به عبارت دیگر دانشگاه فقط مکانی برای تولید دانش نبوده و همراه با دیگر نقش آفرینان و سازمانها و به کارگیری ترکیب بندی ها و روابط جدید دانش علمی تولید می گردد که به الگوی دوم تولید علم معروف می باشد. در دانشگاه های نسل دوم به دلیل استفاده از الگوی بازبایی تولید اقتصادی، کانون پژوهش از دانشگاه ها خارج شده و به سمت اماکن غیر دانشگاهی هم چون آزمایشگاه های صنعتی، مراکز پژوهشی و گروه های فکری و مشاوره ای انتقال می یابد و بر مبنای تقاضای تولید علم صورت می گیرد. (همان)

**دانشگاه نسل سوم:** نسل سوم دانشگاه ها که در دهه های اخیر مورد توجه قرار گرفته اند، دانشگاه های کارآفرین می باشند. دانشگاه کارآفرین یک نظام اجتماعی است که در آن واحدهای سازمانی درونی از جمله گروههای آموزشی، مراکز تحقیقاتی، استادان و دانشکده ها تلاش می کنند که پاسخگوی نیازهای واقعی بازار و جامعه باشند و علاوه بر نوآوری همواره دگرگونی های اساسی در عملکرد خود ایجاد نمایند. مطابق با نظر قاطع پژوهشگران، دانشگاه نسل سوم باید مستقل بوده و شبه شرکتهای باشند. همچنین دانشگاه نسل سوم به مدیرانی نیاز دارند که نوآور و کارآفرین بوده و حل مسائل و مشکلات جامعه را از اولویت های خود بدانند. چنین مدیرانی قادر خواهند بود که افراد تحت مدیریت خود را به صورت مناسبی به سمت دانشگاه نسل سوم هدایت نمایند. (همان)

جدول ۲: برخی از ویژگی های دانشگاه های اول و دوم و سوم (گودرزوند چگینی، ۱۳۹۷: ۷)

جنبه	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم
هدف	آموزش	آموزش و تحقیق	آموزش، تحقیق و استفاده از دانش
نقش	شناخت حقیقت	شناخت طبیعت	ایجاد ارزش افزوده
خروجی	حرفه‌ای‌ها	حرفه‌ای‌ها و علمی‌ها	حرفه‌ای‌ها، علمی‌ها و کارآفرینان
زبان	لاتین	ملی	انگلیسی
مدیریت	رئیس دانشگاه	دانشمندان نیمه‌وقت	مدیریت حرفه‌ای

**دانشگاه نسل چهارم:** دانشگاه های نسل چهارم، جدا از وظایف سه نسل گذشته که دانشگاه های نسل اول عموماً آموزشی و مبتنی بر فعالیتهای تعلیمی بوده اند. دانشگاه نسل دوم که عموماً پژوهشی و مبتنی بر فعالیت های پژوهشی بوده و دانشگاه نسل سوم نیز عموماً کار آفرین هستند و مبتنی بر کارآفرینی و حل مسائل جامعه با رویکرد علمی و سامان مند و در مرادده با محیط پیرامون فعالیت می کند، مأموریت دارند تا در شکل دهی جامعه خود نقش ایفا کنند. در نتیجه می توان گفت دانشگاه نسل چهارم باید ضمن بررسی روندهای جاری و آتی جسمانی و تشخیص نقاط قوت و ضعف، دانشگاه را به سمت و سوی رهنمون کند که بتواند جایگاه مناسب خود را در عرصه جهانی به دست آورد. دانشگاه های مدرن امروزی تنها محل آموزش، تولید علم و فناوری یک سازمان مادی نیستند. امروزه رسالت فرهنگی دانشگاه ها در آماده سازی دانشجویان برای رویارویی با واقعیت های جامعه، اهمیت زیادی پیدا کرده و به رسالت اجتماعی و جامعه پذیری دانشگاه برای تربیت شهروند خوب، تأکید می کند. با مطالعه سیر توسعه دانشگاه ها می توان «دانشگاه نسل چهارم» را به مثابه اسم مناسب برای دانشگاه های آینده معرفی کرد. دانشگاهی که ویژگی های نسل های قبلی را به نحو بهتری در خود دارد، اما اهداف والا و متعالی تری را دنبال می کند. دانشگاه های نسل چهارم، دانشگاه هایی اخلاق مدار و ارزش گرا بوده و به توسعه کرامت های انسانی پای بندند. در دانشگاه های نسل چهارم، دانشگاه ها از نگاه سنتی ارائه دانش آکادمیک فاصله گرفتند و به تأمین نیاز جوامع روی آوردند. دانشگاه های نسل چهارم شروع به توسعه جغرافیایی و موضوعی کرده و در کشورهای مختلف شعبه ایجاد کرده و با جذب تخصص های مختلف، حوزه های علمی بیشتری را به فهرست خدمات آموزشی و پژوهشی و کارآفرینی خود افزودند (احمدیان چاشمی، نیازآذری و صالحی، ۱۳۹۹: ۹۰۳-۹۰۲).

دانشگاه نسل چهارم الگوی حرفه ای نوینی را برای نهاد آموزش عالی تعریف می کند که برای توسعه محلی و منطقه ای فرصت سازی می کند. در چنین فضایی، اگرچه آموزش عالی محصور و محدود به فضاهای مکانی با جغرافیایی مشخصی نیست، اما دغدغه اصلی دانشگاه علاوه بر «حضور جهانی»، اقتصاد محلی و محیط بلافاصل خویش از طریق تشکیل «جامعه دانشی» است. دانشگاه نسل چهارم روندها و سیاست های توسعه محلی و منطقه ای را رهبری می کند، سرمایه های فکری و تغییرات محیطی را مدیریت می کند و آینده خود و جامعه خود را شکل می دهد. به سخن دیگر، دانشگاه نسل چهارم به مانند ذهن هدایت گر و سناریوساز جامعه آینده است و فراتر از رابطه متعارف «سه گانه» دانشگاه دولت-صنعت به نوعی دانشگاه «جامعه ساز» است. نسل چهارم دانشگاه، نسلی تعالی گرا است

که در آن دانشگاه مرکز تمام تحولات علمی، تکنولوژیک و فرهنگی در کشور خواهد بود و ارتباط آن با جهان پیرامون داخلی و بین‌المللی نقش کنش گر و آغازگر خواهد داشت (سپهری، لیاقت دار و اسفنجانی، ۱۳۹۹: ۱۳۹).

در مجموع، دانشگاه‌های نسل چهارم علاوه بر وظایف دانشگاه‌های سه نسل گذشته، مأموریت شکل‌دهی آینده‌ی جامعه‌ی محلی خود را نیز بر عهده دارند. فعالیت نوآوری و پژوهش مسئولانه مهم‌ترین نقش دانشگاه‌های نسل چهارم است. به عبارت دیگر این دانشگاه‌ها نقش پیش‌گستر و کنشگر (فعال) در دگرگونی ساختار جامعه را دارا می‌باشند. دانشگاه نسل چهارم باید ضمن بررسی روند جاری و پیش‌روی جهانی و تشخیص نقاط قوت و ضعف جامعه، مسیر برنامه‌های کلان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی جامعه‌ی موردنظر خود را به سمت و سویی هدایت کند که جامعه بتواند جایگاه مناسب خود را در منطقه و نظام بین‌الملل به دست آورد. بنابر این دانشگاه موفق نسل چهارم دانشگاهی است که تأثیر معناداری بر توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای داشته باشد. بر خلاف دانشگاه‌های کارآفرین که مسئول حل مشکلات جاری با ایجاد کارآفرینی می‌باشند، در دانشگاه کنشگر، قدرت خلاقیت برای حل مسائل منطقه‌ای، جهانی و حتی حل مسئله در منطقه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شود. البته در دانشگاه‌های نسل چهارم توجه به شرایط بوم‌شناختی هر مسئله از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد چرا که ارائه‌ی نسخه‌های کلی و عمومی به دلیل پیچیدگی مسائل امکان‌پذیر نیست (قیامت، ۱۳۹۸: ۱۲۸-۱۲۵).

### تمدن اسلامی و دانشگاه تمدن ساز تراز انقلاب اسلامی

#### تمدن اسلامی در اندیشه شهید مطهری

سیدجواد حسینی (۱۳۹۳: ۱۹۱-۱۸۳) در یک پژوهشی به موضوع «بایسته‌های تمدن اسلامی در اندیشه شهید مطهری» پرداخته است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. در یک کلام روشن، می‌توان گفت تمدن الهی و اسلامی، تمدن علم و ایمان به صورت توأمان است. تاریخ تمدن اروپا را در هزار و پانصد سال اخیر، به «عصر ایمان» و «عصر علم» تقسیم می‌کنند و علم و ایمان را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهند. در صورتی که تاریخ و تمدن اسلامی تقسیم می‌شود به عصر شکوفایی که عصر علم و ایمان است و عصر انحطاط که در آن، علم و ایمان توأمان انحطاط یافته‌اند. مسلمانان باید خود را از این برداشت خسارت‌بار که ضررهای جبران‌ناپذیری بر علم و ایمان و انسانیت وارد کرده است برکنار بدارند و با همراهی علم و ایمان، که در آموزه‌های اسلامی امری مسلم است، بنای تمدن ناب اسلامی را برقرار نمایند (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲: ۳۱). شهید مطهری سعی دارد که یک شیوه و فرمول مشخص برای رابطه بین مسلمانان و غیر

خودشان معرفی کند و می‌گوید: «مسلمان همواره باید بداند که عضو جامعه اسلامی است، جزئی است از این کل. جزء یک کل و عضو یک پیکر بودن، خواه‌ناخواه شرایط و حدودی را ایجاد می‌کند. غیرمسلمان عضو یک پیکر دیگر است. عضو پیکر اسلامی رابطش با اعضای غیراسلامی باید به نحوی باشد که لااقل به عضویتش در پیکر آسیبی نرسد. پس خواه‌ناخواه نمی‌تواند روابط مسلمان با غیرمسلمان با روابط مسلمان و مسلمان یکسان و احیاناً از آن نزدیک‌تر باشد» (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۳: ۲۵۹)

**(الف) تمدن الهی و بایسته‌های آن:** آموزه‌های اسلامی و به ویژه تشیع، در ذیل هدایت‌های اهل بیت (علیه‌السلام)، با استدلال‌های قطعی مبتنی بر حکمت و عدالت الهی، ایجاد برترین و آخرین تمدن بشری را در پایان مسیر تاریخ و با حضور انسان کامل نوید می‌دهند. این بدان معناست که ما اکنون در میانه دو تمدن دینی قرار داریم، زیرا یک تمدن اسلامی اولیه در تاریخ اسلام داشته‌ایم و یک تمدن ناب اسلامی با حضور امام معصوم در آینده تاریخ خواهیم داشت. سخن اصلی و مهم اینجاست که ما در زمان و مکانی بسیار حساس و اثرگذار قرار داریم و پیمودن صحیح مسیر بین دو تمدن الهی اسلامی، می‌تواند سهم تاریخی ما در یک جامعه‌ی متکامل باشد. در این مسیر، توجه به محورهای نظیر گرایش به حق و عدالت، نیروی محرکه تمدنی، تربیت انسان، پرورش عقلانی با محوریت بصیرت، تزکیه نفس و رشد و پرورش اراده، پرورش روح عبودیت و حس نیایش در آثار شهید مطهری (ره) به وضوح خود را نشان می‌دهد. نتیجه مهم مطلب این است که تمدن اسلامی به هیچ عنوان نباید تمدنی غفلت‌ساز باشد. در جامعه اسلامی روح عبودیت در ابعاد و ارکان جامعه جریان دارد و انسان‌ها در کنار آنچه با تلاش و تفکر کسب می‌کنند، همواره یاد خدا هستند و این یاد الهی از مشخصات بارز این جامعه است (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۳۲: ۶۳۷).

**(ب) تمدن برتر نیازمند دین:** اگر پیشرفت تمدنی یعنی رشد توان عقلی و تجربی بشر و اگر عقل اولین مخاطب و نیز دین برای همراهی بشر است، بنابراین باید به میزانی که بشریت در این مسیر پیش می‌رود، به ظرافت‌ها و زیبایی‌های دین بیشتر بپیوندد. اگر بسیاری از انسان‌ها در روزگاری به علت گذراندن دوران کودکی عقلی، در برابر آشکارترین آموزه‌های دینی مخالفت می‌کردند و به عنوان نمونه، در برابر خدای قادر و متعال، ماه و ستارگان را شایسته پرسش می‌دانستند، امروزه در نتیجه تلاش و موفقیت‌های علمی و فنی بشری، بسیاری از تصورات ضد و حیانی پیشین مزاح گونه یا حتی تمسخرآمیز به نظر می‌رسد (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۶: ۵۵۷).

از منظر شهید مطهری، آنچه بیش از هر چیز حق را محترم، عدالت را مقدس، دل‌ها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد، تقوا و عفاف را تا عمق وجدان آدمی نفوذ می‌دهد، به

ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشد، =شجاعت مقابله با ستم ایجاد می‌کند و همه افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می‌دهد و متحد می‌کند، ایمان مذهبی است (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲: ۵۰). شهید مطهری در آثار متعددی، اقدام به نمایاندن سازگاری‌های اسلام با تغییرات و نیازهای زمان می‌کنند و در مرحله بعد، راز و رمز آن را نیز معرفی می‌کنند: ۱. توجه به روح و معنی و بی‌تفاوتی نسبت به قالب و شکل، ۲. قانون ثابت برای احتیاج ثابت و قانون متغیر برای احتیاج متغیر، ۳. مسئله‌ی اهم و مهم، ۴. قوانینی که حق و تو دارند، ۵. اصل اجتهاد و ۶. اختیارات حاکم (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۱۹: ۱۲۳). البته باید به نقش قرآن و ولایت نیز به عنوان دو رکن اساسی تمدن اسلامی توجه داشت. به عبارت دیگر، سلسله حیاتی زنده‌ای که در جامعه اسلامی پدید آمد و رشد کرد و تکامل یافت تا منجر به تمدن عظیم اسلامی شد، اعجاب و عشق و علاقه بی‌حد مسلمین به قرآن در کنار شخص پیامبر اکرم بود. از این رو، می‌توان گفت کتاب تمدن اسلامی، قرآن کریم است (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲: ۱۹۴). از طرف دیگر، مصداق تمام‌عیار انسان کامل، امام معصوم (علیه‌السلام) است و در زمان غیبت آن گوهر یگانه، بر اساس قاعده نیابت، که از سوی خود ائمه (علیه‌السلام) وضع شده است، جامعه و تمدن اسلامی برای رهایی از حیرت یا فروغلتیدن در دام حکومت‌های طاغوت، از نایبان عام برای اطمینان از حرکت در مسیر قرآن و اهل بیت و زعامت مسلمانان بهره می‌گیرند. به هر حال جامعه اسلامی باید همواره مملو از محبت و خیرخواهی نسبت به یکدیگر باشد که سرمنشأ تمام این خیرات وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی‌الله‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیه‌السلام) ایشان هستند (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۹۱-۱۸۳).

**بنیان‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی):** اندیشه تمدنی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از یک سو، در رهگذر اتصال میان عرصه نظر و عمل و بر بستر تحلیل تاریخی تجربه تمدنی صدر اسلام، تجربه تمدنی غرب و نیز تجربه تطور و حضور تشیع در عرصه حکومت در سده های اخیر است و از سوی دیگر، بر توانمندیهای فقهی و فلسفی و منصب‌های حکومتی ایشان پایه گذاری شده است و این اندیشه تمدنی، در درون تجربه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در عصر حاضر، تکوین می‌یابد. در اندیشه ایشان، تمدن نوین اسلامی، غایت حرکت و چشم انداز مشترک امت اسلامی در سطح کلان و الگوی زندگی در جوامع اسلامی در سطح مجرد است. درباره چگونگی دستیابی به تمدن اسلامی، در نظریه ایشان که با سیر تکوین جمهوری اسلامی ایران گره خورده است، فرآیندی قابل شناسایی است که در آن انقلاب، نظام سازی، دولت سازی و جامعه سازی، مقدمه دستیابی به تمدن نوین اسلامی دانسته می‌شود. گذار از هر مرحله به مرحله بعدی در گرو الزاماتی است که دستیابی به تمدن

نوین اسلامی با آنها معنا می یابد. «تمدن نوین اسلامی» در اندیشه مقام معظم رهبری بر چهار رکن کلان استوار است که در ادامه به هر کدام اشاره می شود (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶-۲۴):

- "توحید" محور اصلی اندیشه تمدنی آیت الله خامنه ای است که نه تنها بر عقاید افراد و مدیران جامعه بلکه باید بر مجموعه جامعه نیز سریان داشته باشد؛ بر این اساس، ایشان معتقدند که در اسلام، سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است که خالق، عالم به مصالح و مالک انسان هاست و هیچ انسانی حق ندارد اداره امور انسان های دیگر را بر عهده بگیرد؛ اما خدای متعال این ولایت و حاکمیت را از مجاری خاصی اعمال می کند. کسی که ولایت را از طرف خداوند عهده دار می شود، باید پرتو و سایه ای از آن ولایت الهی را تحقق ببخشد؛ بنابراین، در جامعه و نظام اسلامی، بهترین الگوی حکومتی ممکن، حکومت معصومین (علیه السلام) است و در صورتی که حاکمیت معصوم میسر نیست، باید دین، تقوا و عدالت بر مردم حکومت کند که از آن با عنوان "ولایت فقیه" یاد می شود؛ یعنی انسان دین شناسی که دارای ملکه عدالت و تقواست و می تواند روح توحیدی را در ارزش های اخلاقی، تربیتی و عبادت، ساری و جاری سازد و از آن طریق، به سیاست، اقتصاد، مدیریت، قضاوت، تعلیم و فرهنگ توحیدی دست یابد.

- در بعد معرفت شناسی، از منظر آیت الله خامنه ای، وحی، سنت و عقل منابع اصلی شناخت هستند که هر یک عهده دار شناخت بعدی از ابعاد گوناگون عالم هستی هستند و بذل توجه لازم به آنها، آدمی را از درافتادن به جرگه مادیون - که تنها حواس پنجگانه و روش تجربی را به عنوان ابزار شناخت و طبیعت را به عنوان منبع شناخت معرفی می نمایند. مصون می دارد. در نگاه ایشان، عقل به عنوان یکی از منابع مهم شناخت، پیوندی عمیق و ناگسستنی با شرع یافته است و در اسلام، ضدیت بین عقل و دین وجود ندارد و توأمانی "نقل" و "عقل" در نگاه ایشان، گویای آن است که حرکت تمدنی، وفاداری به کتاب و سنت با عقلانیت توأم شده است و عقل در کنار کتاب و سنت، به عنوان حجت در یافتن سبک و شیوه زندگی دینی لحاظ شده است. عقلانیت خاص تمدن نوین اسلامی، خاستگاه عقلانی این گونه تمدن تلقی می شود. این عقلانیت دربرگیرنده اصول کلان فکری است که به مثابه شالوده تمدن نوین اسلامی، تشکیل دهنده پایه ها و ستون های تمدن اسلامی در فرآیند تمدن سازی محسوب می شود.

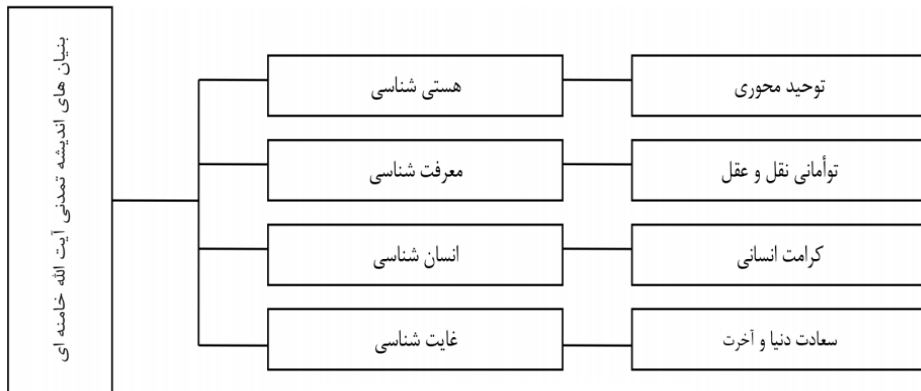
- تمدن نوین اسلامی، در بعد انسان شناسی بر بستر هدف کلی خلقت. یعنی تعالی انسان - بررسی می شود و انسان در نظر ایشان، دارای ویژگی های مبنایی زیر است: ۱. انسان فی نفسه حرمت دارد؛ ۲. انسان مورد تکریم الهی است؛ ۳. انسان خودبنیاد نیست و نیاز به راهنما و بعثت انبیا دارد؛ ۴. کمال انسان با تخلق به اخلاق الهی است؛ ۵. انسان منشأ قدرت های مادی و معنوی است؛ ۶. ایمان



به خدا به انسان قدرت می دهد؛ ۷. انسان نیازمند تعلیم، تزکیه و تربیت الهی است؛ ۸. فطرت انسان در عهد الست با خدا پیمان عبودیت بسته است؛ ۹. سنت الهی در تدبیر هستی در راستای سعادت انسان است؛ ۱۰. کمال انسان در دستیابی به هر دو بعد مادی و معنوی است؛ ۱۱. اسلام مطابق با همه نیازهای انسان طراحی شده است؛ ۱۲. سرشت پاک انسانی در معرض آسیب، سقوط، انحراف، خودفراوشی، جهل، تجاوزگری، از خود بیگانگی، فساد، هواپرستی و درنده خوئی است. ایشان با اشاره به استعداد بی پایان انسان در رشد و تعالی معنوی، ویژگی های متعالی "انسان" را پایه اندیشه دینی و ساخت جامعه اسلامی معرفی نموده است.

— در بحث غایت شناسی، هدف غایی تمدن نوین اسلامی، سعادت طلبی و وصول به سعادت در دنیا و آخرت است. در این رویکرد، دو سطح از سعادت مطرح است؛ سطح اول، سعادت فردی است که حالتی درونی است و در آن، قوای مادی فرد در حالت تعادل قرار می گیرد اما سطح بالاتر از آن، سعادت اجتماعی است و به اعتقاد ایشان، سعادت واقعی جایی است که تمام جامعه به سعادت دست یابند؛ بر این اساس، سمت و سوی سیاست گذاری در تمدن نوین اسلامی باید به سوی هدف غایی که همان سعادت طلبی است، میل کند.

شکل ۲. بنیان های اندیشه تمدنی آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)



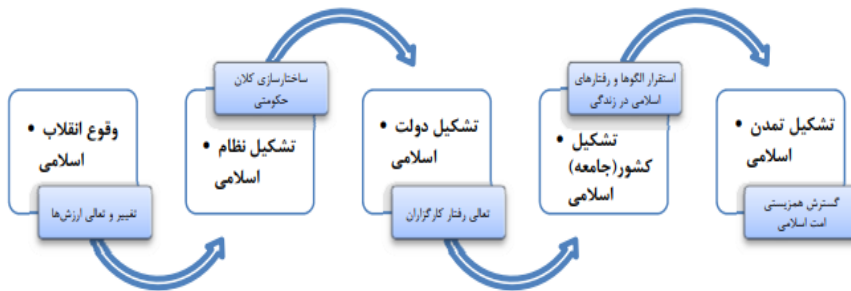
(سلطانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴)

### ۵-۳. مراحل تمدن نوین اسلامی

در یک نگاه می توان گفت انقلاب اسلامی به عنوان آغازگر تجدید حیات تمدن نوین اسلامی برای امت اسلامی و جوامع اسلامی پیام احیای هویت اسلامی و بازگشت به اسلام را به ارمغان آورده است و در این راستا راهکارهای ضروری برای فهم مباحث اسلامی به شکل کارساز و کارآمد مورد توجه قرار داده است، شناخت حقیقت تمدن اسلامی و پای بندی به الزامات رسیدن به آن تمدن امری ضروری است و آگاهی از ظرفیت های جهان اسلام از الزامات آن به حساب می آید. از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) دستیابی به حیات طیبه و تحقق تمدن نوین اسلامی مستلزم سپری شدن ۵ مرحله است:

۱. مرحله انقلاب اسلامی، این مرحله که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) ضمن سختی ها آسان ترین مرحله است، تغییر ارزش ها، عبودیت خدا، کار برای خدا، دنیاشناسی، پیشرفت و تعالی در محور حرکت انقلابی ملت مسلمان ایران بود. هدف انقلاب آماده سازی محیط برای ایجاد نظام جدید، تغییر ارزش ها، اصلاح مفاسد، محور شدن عدالت، استقرار شریعت اسلامی، رفع سلطه بیگانه، ایجاد نظام بر اساس اندیشه و تفکر اسلام بوده است.
۲. مرحله تشکیل نظام اسلامی، حلقه پس از حرکت انقلابی و پیروزی ملت ایران بر رژیم طاغوت، شکل گیری نظام اسلامی مورد توجه بود به این معنا که پس از پیروزی، نظامی اسلامی در کشور برپا شود، به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) هندسه عمومی جامعه اسلامی شود. در نظام اسلامی، (مردم سالاری دینی)، مردم انتخاب می کنند، تصمیم می گیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند اما این خواست و انتخاب در سایه هدایت الهی، هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی برد و از صراط مستقیم خارج نمی شود.
۳. ایجاد دولت اسلامی، مرحله سوم ایجاد دولت اسلامی است، به گونه ای که منش و روش دولت مردان و ساز و کارها و نهادسازی برای اداره کشور مبتنی بر اسلام آماده شود.
۴. شکل گیری جامعه و کشور اسلامی، مرحله چهارم شکل گیری جامعه و کشور اسلامی است به گونه ای که مقررات و روابط مسئولان و مردم، به معنای واقعی کلمه، اسلامی شود و کشور نمونه ای بر اساس آموزه های اسلامی ساخته شود.

۵. تشکیل امت اسلامی و تمدن اسلامی، مرحله پنجم شکل‌گیری امت اسلامی و تمدن بین‌المللی اسلامی است. جهت و رویکرد کلی انقلاب تحقق تمدن اسلامی است. با وجود آمدن جامعه اسلامی و کشور اسلامی زمینه برای ایجاد امت اسلامی فراهم می‌شود. از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) عوامل تشکیل دهنده تمدن اسلامی ایمان به خدا و احکام الهی، اخلاص، تقوای فردی و اجتماعی امت اسلامی و... است (فرزندی، ۱۳۹۹).



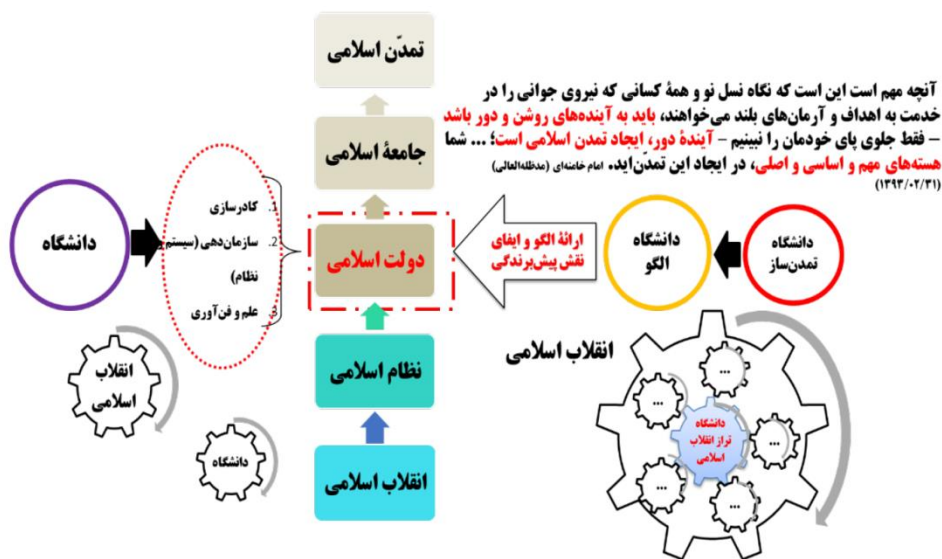
شکل ۳. (بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۲۶)

#### ۴-۵. دانشگاه تراز انقلاب اسلامی به منابه دانشگاهی تمدن ساز

مراکز علمی و دانشگاهها در طول تاریخ همواره از یک سهم کلیدی و آغازگر در عرصه تمدن‌سازی برخوردار بوده‌اند. از بیت‌الحکمه‌ها تا نظامیه‌ها و دارالعلم‌ها یا حوزه‌های علمیه‌ی جامع علوم، همگی در شکل‌گیری تمدن شکوهمند اسلامی صاحب نقش بوده‌اند. امروز هم کسی نمی‌تواند سهم و نقش منحصر بفرد دانشگاههای معاصر را در تمدن‌سازی نادیده بگیرد. واقعیت این است که تا دانشگاه‌ها متحول نشود و جهت‌گیری تمدنی پیدا نکند صحبت کردن از تمدن‌سازی به یک شوخی شباهت دارد. در جمهوری اسلامی هنوز در خیلی از شاخص‌های دانشگاهی عقب‌هستیم و یکی از دلایل این عقب‌ماندگی، نبود یک تفکر تمدنی در عرصه دانشگاهی است. البته توجه داریم که دانشگاه مدرن و تولد نارس آن در ایران، با آنچه مورد نظر اسلام به عنوان یک مرکز علمی و تربیتی است همسویی کامل ندارد و چه بسا در عرصه نرم افزاری تعارضاتی هم میان این دو وجود داشته باشد، اما آنچه مسلم است، امروز دانشگاه‌ها البته با هویتی تا حدی جدید و متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی در خدمت شکل‌گیری تمدن‌نویین اسلامی قرار گرفته‌اند و گام به گام در حال تحول هستند. (غلامی، ۱۳۹۹).

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز از اولین روزهای قبول مسئولیت رهبری به اهمیت موضوع دانشگاه اشاره کردند و در مراسم بیعت دانشجویان با ایشان در ۱۳۳۷/۰۳/۲۳ با قاطعیت بیان کردند که از دیدگاه امام راحل (ره)، مسئله دانشگاهها جزء مسائل تراز اول برای انقلاب و کشور است و از قول ایشان نقل کردند که اهمیت مسئله دانشگاه از مسئله جنگ نیز فراتر است. معظم له در بیش از ۴۰۶ سخنرانی، مصاحبه، پیام، ابلاغیه و ... به موضوع دانشگاه و مسائل مرتبط با آن پرداخته اند که نشان از جایگاه فوق العاده این موضوع در منظومه فکری ایشان دارد. در نگاه امام خامنه‌ای «هدف، پی ریزی یک تمدن است، یک حرکت عظیم است، برای این باید ارتش ما و سپاه ما و دستگاه های ما، وزارتخانه های ما، نیروی انتظامی و غیره باید خودشان را آماده کنند» (بیانات فرمانده معظم کل قوا امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تازیخ ۱۳۷۳/۱۰/۵ قابل دسترسی در سایت [www.khmenei.ir](http://www.khmenei.ir)) و بر این نکته در بیانیه مهم گام دوم انقلاب تأکید ویژه کردند. در این راستا دانشگاه باید نقش پیش برندگی خود را در تمدن سازی نشان دهد (برزنونی و همکاران؛ ۱۳۹۸: ۲۴).

شکل ۴. نقش دانشگاه در تمدن سازی نوین اسلامی



(برزنونی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴)

با توجه به مباحث مطرح شده در اسناد بالادستی و به طور خاص در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، پرواضح است که دانشگاه تراز انقلاب از دیدگاه نظام اسلامی و رهبر فرزانه آن، دانشگاهی از نسل دانشگاه

کنشگر (نسل چهارم) با رویکرد اسلامی است. دانشگاهی که علاوه بر تربیت نیروی جوان متعهد، متخصص و کارآفرین، در عرصه منطقه‌ای نیز توانمندی لازم را برای تأثیرگذاری در سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد. دستیابی به چنین جایگاهی، مستلزم گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه، ایجاد قابلیت‌های علمی و فنی و ایجاد فرهنگ حمایتگر از فعالیت‌های کارآفرینانه، هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی و سازمانی است. یکی از ارکان مهم در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و بیانیه گام دوم انقلاب توسعه یافتگی است. رسیدن به توسعه یافتگی نیازمند این است که عوامل ایجاد و بسترهای رشد آن فراهم شود. توسعه کارآفرینی یکی از عوامل مهم در توسعه و رشد اقتصادی کشور محسوب می‌شود (قیامت، ۱۳۹۸: ۱۴۰).

### ۶. شاخص‌های دانشگاه تمدن ساز

در منابع گوناگون، واژه تمدن یا شهر آیینی را، آراسته شدن به آداب و ادب مردم جامعه با فرهنگ تعریف کرده‌اند. دانشگاه به عنوان مکانی فراگیر برای تفکر و تعقل، وظیفه و نقش تعامل با کل جامعه را به لحاظ فرهنگی و تعلیم و تربیت عهده‌دار است. اکنون در دنیا از این مکان به عنوان «شهر خرد» یاد کرده‌اند؛ و لذا اگر جایی برای آن در ضروریات تأسیس تمدنی، قائل باشیم، باید واجد ویژگی‌هایی بدین قرار باشد: (۱) استقلال و نقد قدرت، (۲) انضباط، (۳) آراستگی به اخلاق و عقل و خرد، (۴) مبارزه با جهل فکری و معرفتی جامعه، (۵) ترویج پژوهش‌های علمی و بنیادی، (۶) طرد مقررات فرسوده و تدوین ضوابط و تشکیلات پویا و نوین، (۷) ارتباط با قطب‌های علمی و بین‌المللی، (۸) دوری از کشمکش‌های سیاسی و فرقه‌ای (سیاه پوش، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

در تقسیم‌بندی دیگری آدمی و همکارانش مؤلفه‌های دانشگاه تمدن ساز را این چنین معرفی می‌کنند:

- (۱) دانشگاه تمدن ساز اسلامی - ایرانی، دانشگاهی است معنویت‌گرا، ارزش‌گرا و انسان ساز که در پی رهبری معنوی و جهت‌دهی فرهنگی جامعه است و علم جهت‌دار الهی را مبنا و چارچوب حرکت خود قرار می‌دهد.
- (۲) تولید دانش مهم‌ترین کارکرد دانشگاه تمدن ساز است. دانشگاه تمدن ساز دانشگاهی تولیدمحور است.
- (۳) سومین ویژگی آموزشی و پژوهشی دانشگاه تمدن ساز، اشاعه و نشر دانش است.
- (۴) تعادل بین آموزش و پژوهش از دیگر مؤلفه‌های اصلی دانشگاه تمدن ساز است.
- (۵) مهم‌ترین ویژگی دانشگاه تمدن ساز در عرصه مدیریتی، مدیریت موثر ارتباط با جامعه، استقرار نظام برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت منابع انسانی و ارتباط اخلاق با اقتصاد است.

- ۶) شاخص دیگری که می توان برای دانشگاه تمدن ساز به کار برد در بعد ارتباطی است. دانشگاه تمدن ساز دانشگاهی «ارتباطی با دغدغه گسترش و تقویت «ارتباط ها و تعامل های علمی، فرهنگی، اجتماعی» میان ادیان، مکاتب فکری - فلسفی و ملت ها است.
- ۷) در دانشگاه تمدن ساز نقدپذیری و فرهنگ نقادی رواج دارد.
- ۸) اهتمام جدی به ترجمه دیگر مؤلفه دانشگاه تمدن ساز است. از این رو، دانشگاه تمدن ساز دانشگاهی است که با ترجمه آثار مختلف علمی از زبان های گوناگون و نقد آنها، زمینه های انباشت و پیشرفت علمی را فراهم می سازد.
- ۹) مؤلفه دیگری که می توان برای دانشگاه تمدن ساز تعریف کرد توجه به معیار «توسعه» است. توسعه بیش از آنکه مفهومی اقتصادی باشد، امری است فرهنگی و دانشگاه به عنوان نهادی فرهنگ ساز می تواند در فرایند توسعه نقشی ممتاز ایفا کند.
- ۱۰) یکی دیگر از شاخص های مورد توجه دانشگاه تمدن ساز، توجه به بعد برونداد یا خروجی این دانشگاه است. تربیت نیروی متخصص و متعهد با روحیه کنجکاوی و پرسشگری و تولید محصولات فکری و فرهنگی اصیل و بومی، از پیش نیازهای ضروری چنین دانشگاهی است زیرا «تمدن سازی طالب نیروهای تربیت شده است و این وظیفه مهم بر عهده یک دانشگاه تمدن ساز است» (آدمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۰-۳۶).

در ادامه به ۲۰ ویژگی اصلی دانشگاه تمدن ساز از دیدگاه یکی دیگر از اندیشمندان اشاره می شود. اما باید روی این مطلب تاکید کرد که این بیست ویژگی می بایست به مثابه یک زنجیره تلقی شوند و در نظر گرفتن بخشی از آنها و رها کردن بقیه، روح حاکم بر این بحث را از بین می برد (غلامی، ۱۳۹۹).

### جدول ۳. شاخص های دانشگاه تمدن ساز

شاخص های دانشگاه تمدن ساز			
نوآور	تقلیدگریز	چارچوب باز	منتقد عالم و منصف
اشتغال آفرین	دانشجو پرور نه مدرک طلب	کانون همکاری و تعامل	مزبران عقلانیت
کیفیت گرا	پرورشگاه انسان های تمدن ساز	الگوی فضائل	آینده نگر
مبتکر در پاسخگویی به نیازها	خداجو و دین مدار	پیوند خورده با جامعه و صنعت	سیاسی و نه سیاست زده
تابو ستیز	عمق گرا	رو به جلو و امیدوار	جهانی گرا

شکل ۷. (غلامی، ۱۳۹۹)

## ۷. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و توسعه‌ای و از نظر ماهیت توصیفی-اکتشافی و از نظر روش کیفی است.

### ۷-۱. جامعه آماری

(۱) مطالعه اسناد تدابیر فرمانده معظم کل قوا (مدظله العالی) و ستادکل، دستورات و قوانین، مطالعه تجارب دانشگاه در مراحل تکمیلی خود، مطالعه و اجرای راهبردی دانشگاه‌های برتر کشور.  
(۲) نخبگان و خبرگان دانشگاهی و ستاد کل نیروهای مسلح و افراد صاحب تجربه در تهیه اسناد راهبردی و مدیریت دانشگاه و مراکز علمی.

### ۷-۲. مراحل تحقیق

(۱) جمع‌آوری و تحلیل اسناد و محتوای مرتبط با موضوع تحقیق  
(۲) تدوین مدل اولیه اهداف و راهبردهای دانشگاه دفاع ملی به مثابه دانشگاه تمدن‌ساز  
(۳) بررسی، ارزیابی و تکمیل مدل با روش کانون هم‌اندیشی نخبگان و خبرگان

## ۸. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

### ۸-۱. تجزیه و تحلیل داده‌های توصیفی

نمونه‌ی آماری این تحقیق ۱۰ نفر از خبرگان آگاه به موضوع هستند. اطلاعات مربوط به سن، جنسیت، مدرک تحصیلی و سابقه کاری آن‌ها در جدول ۱ ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۴: تحلیل داده‌های توصیفی نمونه آماری

درصد	فراوانی		
۱۰	۱	کارشناسی ارشد	تحصیلات
۹۰	۹	دکتری	
۱۰۰	۱۰	جمع	
۱۰	۱	۱۶ تا ۲۰	سابقه مسئولیت (سال)
۱۰	۱	۲۱ تا ۲۵	
۸۰	۸	۲۵ به بالا	
۱۰۰	۱۰	جمع	

## ۷-۲. نتیجه تجزیه و تحلیل داده ها

جدول شماره ۵: اهداف کلان دانشگاه عالی دفاع ملی و راهبردهای تحقق آن (مصاحبه خبرگان)

هدف شماره ۱: سرآمدی در تربیت، آموزش و توانمندسازی فرماندهان و مدیران راهبردی نیروهای مسلح و کشور
راهبردها:
۱) پذیرش هدفمند فراگیران مستعد و خلاق با مشارکت سازمان‌ها به‌منظور تربیت و توانمندسازی حکمرانان، فرماندهان و مدیران راهبردی کشور؛
۲) به‌کارگیری استادان انقلابی، تأثیرگذار، پویا و برخوردار از دانش علمی بالا و پیشینه غنی تجربی؛
۳) استمرار ارتباط و بروزرنگهداری دانش‌آموختگان دانشگاه از طریق شبکه‌های حقیقی و مجازی و ... به‌منظور تعالی مدیران راهبردی کشور؛
۴) استقرار فضای اسلامی، نشاط علمی و نوآوری در دانشگاه؛
۵) روزآمدسازی متون و محتوا، رشته‌ها، شیوه‌ها و قالب‌ها و فناوری‌های آموزشی؛
۶) استقرار نظام ارزیابی و ارتقای اساتید دانشگاه بر نقش‌آفرینی در عرصه‌های راهبردی؛
۷) ترجیح دوره‌ها و رشته‌های آموزشی عمومی بر تخصصی؛
۸) حرفه‌ای سازی، مهارت محوری و توسعه حکمت عملی در آموزش‌ها؛
هدف شماره ۲: تولید علم نافع برای دستیابی به قطبیت علمی در حوزه‌های مأموریتی
راهبردها:
۹) تولید مکتب، نظریه و اندیشه مبتنی بر مبانی اسلامی و آموزه‌های انقلاب اسلامی؛
۱۰) ایجاد انجمن‌ها و هیات‌های اندیشه‌ورز تخصصی؛
۱۱) ایجاد نظام انگیزش و تشویق دانش‌آفرینان؛
۱۲) برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و نظر و ترویج به همراه تدوین و فراوری و مطالب مطرح‌شده؛
۱۳) توسعه نظام شناخت موضوعات و مسائل با رویکرد تمرکز کانونی بر مسائل راهبردی انقلاب اسلامی، نظام و نیروهای مسلح؛
۱۴) نقد و بررسی نظریه‌ها و یافته‌های علمی موجود در راستای مسائل راهبردی انقلاب اسلامی، نظام و نیروهای مسلح؛
۱۵) توسعه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نوین دانشی و روشی در حوزه‌های پژوهشی؛
۱۶) ایجاد زیست‌بوم و فرهنگ سازمانی دانش‌پرور و سکه رایج شدن تولید علم؛
۱۷) توسعه مدیریت دانش در عرصه‌های مأموریتی؛
۱۸) شناسایی، شبکه‌سازی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی و پژوهشی در تولید علم؛
۱۹) استفاده از فناوری‌ها و سگوه‌های روزآمد، هوشمند و یکپارچه برای جمع‌سپاری و برون‌سپاری؛
۲۰) قابلیت‌سازی برای دستیابی به قطب‌های علمی مرتبط در حوزه‌های مأموریتی؛



۲۱) توسعه نظام سنجش عملکرد مبتنی بر پیامد، هدف، فرآیند پژوهشگران و فعالیت‌های پژوهشی؛
<b>هدف شماره ۳: الگو و سرآمد در علوم انسانی اسلامی (و علامات و بالنجم هم یهتدون)</b>
<b>راهبردها:</b>
۲۲) نقد خلاقانه و نوآورانه تفکرات موجود و علوم وارداتی؛
۲۳) سدشکنی در ورود به موضوعات و موقعیت‌های مسئله خیز نوظهور؛
۲۴) ایجاد سازوکارهای همکاری مشترک و مؤثر دانشگاه، حوزه و سایر نهادهای علوم اسلامی؛
۲۵) توسعه فلسفه علم و روش‌های تحقیق حکمی، اجتهادی و روایت پژوهی؛
۲۶) نهادینه‌سازی نظام آموزش و پژوهش دانشگاه مبتنی بر علوم اسلامی؛
۲۷) مرجعیت جریان شناسی دینی و فکری پیوندخورده با قدرت و سیاست؛
<b>هدف شماره ۴: کنشگری مؤثر و تصمیم یاری حکومت (اثرگذاری در نظام تصمیم سازی و حکمرانی کشور)؛</b>
<b>راهبردها:</b>
۲۸) نقش آفرینی در ایجاد زیست‌بوم اندیشه‌ورزی با راه‌اندازی نهاد «انتشار و رسانه راهبردی» و تعامل با سایر بازیگران زیست‌بوم؛
۲۹) حضور و نقش آفرینی در نهادها، شوراها و مراکز سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی کلان و با تأکید بر مسائل کلیدی و ارزش‌های حیاتی به‌عنوان بازوی فکری ولایت؛
۳۰) دستیابی به مرجعیت تدوین و مستندسازی تجارب جمهوری اسلامی در حوزه حکمرانی و الگوسازی؛
۳۱) ایجاد آزمایشگاه حکمرانی مرجع و توسعه بازی‌های راهبردی؛
۳۲) کسب اطلاعات بهنگام از تصمیمات راهبردی نظام؛
۳۳) هدایت محصولات پژوهشی دانشگاه در راستای حل مسائل کشور و تقاضامحوری و تلاش برای ترویج و گفتمان‌سازی؛
۳۴) شناخت، اولویت‌بندی و تبیین مسائل راهبردی کشور مبتنی بر تدابیر مقام معظم رهبری از طریق ایجاد سازوکارهای مناسب و سریع؛
۳۵) ایجاد ظرفیت و قابلیت تولید اسناد راهبردی کشور؛
۳۶) پویا و پایش راهبردی وضعیت، موقعیت و عملکرد و ارائه گزارش‌ها و هشدارهای راهبردی به نهادهای تصمیم گیر و تصمیم‌ساز و چراغ راه آینده نظام؛
۳۷) مشارکت‌جویی و مشارکت‌پذیری مدیران راهبردی کشور در دانشگاه (کانون‌های تفکر مدیران)؛
<b>هدف شماره ۵: مرجعیت و هدایتگری در آینده‌پژوهی راهبردی؛</b>
<b>راهبردها:</b>
۳۸) معماری نظام آینده‌پژوهی نیروهای مسلح و شبکه دیدبانان دفاعی؛
۳۹) حمایت و پشتیبانی از مراکز و فعالان آینده‌پژوهی؛

۴۰	تولید دانش آینده‌پژوهی مبتنی بر سنت‌های وحیانی حاکم بر نظام آفرینش؛
۴۱	تولید و اشتراک‌گذاری محصولات آینده‌پژوهی؛
۴۲	شبکه‌سازی مجامع نخبگانی آینده‌پژوهان و بهبود ارتباطات میان‌سازمانی؛
۴۳	آموزش و تربیت آینده‌پژوهان حرفه‌ای و کلان‌نگر؛
۴۴	هدایت‌گری مراکز آینده‌پژوهی نیروهای مسلح و کشور؛
۴۵	ترویج و گفتمان‌سازی آینده‌پژوهی (برگزاری جشنواره‌ها، اعطای جایزه و...)
۴۶	تولید ادبیات بومی و مفهوم‌سازی جمعی در حوزه مبانی نظری آینده‌پژوهی، به‌ویژه آینده‌اندیشی اسلامی؛
۴۷	تعامل و بهره‌گیری از تولیدات سایر مراجع و اندیشمندان داخلی و خارجی؛
	<b>هدف شماره ۶:</b> گفتمان‌سازی در ترویج تفکر راهبردی مبتنی بر انقلاب اسلامی؛
	<b>راهبردها:</b>
۴۸	جذب و نگهداشت دانش‌آموختگان دانشگاه‌های سرآمد در قالب عضویت هیئت‌علمی و پژوهشگران خبره؛
۴۹	ایجاد بسترها و آیین‌نامه‌های مرتبط با اندیشکده‌های دانشگاهی و تعریف ضوابط و مشوق‌های لازم؛
۵۰	راه‌اندازی اندیشکده‌ها و انجمن‌های علمی مختلف مرتبط با مأموریت؛
۵۱	جذب اندیشمندان مختلف مرتبط برای عضویت در اندیشکده‌ها و انجمن‌های علمی (اعم از اعضای هیئت‌علمی داخلی، خبرگان و اساتید نیروهای مسلح، اساتید و خبرگان سایر دانشگاه‌ها)؛
۵۲	برقراری تعامل علمی با سایر دانشگاه‌ها از قبیل برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها و...؛
۵۳	تولید آثار علمی مرتبط اعم از کتاب، مقاله، نشریه، گزارش‌های راهبردی؛
۵۴	راه‌اندازی کانال‌ها و تولید برنامه‌های رسانه‌ای و چندرسانه‌ای؛
	<b>هدف شماره ۷:</b> توسعه تعاملات و همکاری‌های علمی در سطح ملی و بین‌المللی؛
	<b>راهبردها:</b>
۵۵	ایجاد سکوی هوشمند و شبکه کارآمد و کنش‌گر دانشمندان علوم دفاعی امنیتی در مسیر تقویت تعامل و پاسخگویی به‌موقع به نیازهای راهبردی
۵۶	تقویت تعاملات و اشتراک‌گذاری منابع دانشی و اطلاعاتی علمی (ویکی) با اولویت به‌کارگیری شبکه‌های مجازی
۵۷	اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها و دوره‌های آموزشی مشترک با اولویت ارائه آموزش در مقصد و تبادل استاد و دانشجو و هیئت‌های دانشگاهی
۵۸	توسعه ظرفیت آموزش زبان فارسی و خارجی و قابلیت ترجمه و انتشار محصولات علمی دانشگاه و کشور به زبان‌های مقصد و مشارکت جامعه هدف
۵۹	توسعه بازدیدهای دوجانبه از کشورها و جوامع هدف و تقویت فرصت‌ها و سفرهای مطالعاتی داخلی و خارجی برای اساتید و دانشجویان

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

### الف- نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش، تدوین راهبردهای دانشگاه عالی دفاع ملی در مسیر تمدن‌سازی در افق ده ساله با تمرکز بر تدوین اهداف کلان و راهبردهای هر هدف است. که در صفحات آمده است در این راستا پس از مرور پیشینه تحقیق، مفاهیم دانشگاه، دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، تمدن، طرح راهبردی مرور شد و در ادامه فرآیند سه گانه مدیریت راهبردی، شامل تدوین، پیاده سازی و ارزیابی نیز مرور شد که بر این موضوع تاکید شد که در این تحقیق تمرکز محقق بر مرحله تدوین راهبردهای است. در ادامه نسل‌های چهارگانه تکوین دانشگاه‌ها از پیدایش تا کنون بررسی شد و مبانی نظری تمدن نوین اسلامی از منظر اندیشه‌های استاد شهید مرتضی مطهری و آیت الله العظمی خامنه‌ای مرور گردید و شاخص‌های دانشگاه تمدن‌ساز از منظر این اندیشمندان معرفی شد. در ادامه چارچوب نظری تحقیق شامل اهداف و راهبردهای اولیه تهیه و با روش ارزیابی کانونی در چهار جلسه چهار ساعته مورد بررسی و بحث‌های عمیق با حضور نخبگان دانشگاهی قرار گرفت و اصلاحات لازم به منظور اخذ تایید خبرگان انجام شد.

### الف- پیشنهاد

در نتیجه این تحقیق هفت هدف کلان برای نیل دانشگاه عالی دفاع ملی در مسیر تمدن‌سازی در افق ۱۴۱۰ هجری شمسی متصور است که در جدول شماره ۳ به آن پرداخته شده است. تحقق هر یک از این اهداف مستلزم اجرای راهبردهایی است که در جدول ۳ برشماری شده است. پیشنهاد می‌شود راهبردهای به دست آمده در مراجع مربوط به تصویب رسانده شده و در دانشگاه ملاحظه عمل قرار گیرد. پس از تصویب راهبرد در هیات امنای دانشگاه و مراجع بالاتر، برنامه‌های ۵ ساله و سالانه تحقق طرح تدوین و تصویب شده و الزامات اجرایی آن پیش‌بینی شود و شورای راهبردی به ریاست دانشگاه برای پیاده‌سازی، پایش و ارزیابی آن تشکیل شود. لازم به ذکر است گفتمان‌سازی و اصلاح و تغییر نگرش‌ها از مقدمات اجرای راهبردهای باشد که باید طرح آن تهیه و در دو محیط دانشگاه و محیط تعاملی نزدیک به اجرا درآید.

## فهرست منابع

## الف - فارسی

- آدمی، علی، آبالان، صادق، خضریان، مهدی. (۱۳۹۰). «دانشگاه تمدن‌ساز؛ الگوی توسعه بومی و تعمیق همبستگی ملی». مطالعات ملی، ۱۲ (ویژه نامه آموزش عالی، هویت و همبستگی ملی) (۱)، ۵۲-۲۹.
- احمدیان چاشمی، مینا، نیازآذری، کیومرث، صالحی، محمد. (۱۳۹۹). «طراحی مدل نقش دانشگاه نسل چهارم در جهت ارتقای کیفیت آموزشی و پژوهشی در آموزش عالی»، توسعه آموزش جندی شاپور اهواز، ۱۱ (۴)، ۹۰۱-۹۱۳.
- برزونی، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۸). «دانشگاه تراز انقلاب اسلامی در گام دوم مبتنی بر منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی». تهران: مجموعه مقالات همایش ملی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز.
- بشیر، حسن، غیاثی، هادی. (۱۳۹۹). «چالش های تمدنی پیش روی انقلاب اسلامی ایران». مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۳ (۱)، ۲۸-۱.
- بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳). «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران)». نقد و نظر، ۱۹ (۷۴)، ۱۹۸-۲۳۷.
- جوانبخش، مرجان؛ فضل الهی قمشی، سیف الله؛ ابوالقاسمی، محمود (۱۳۹۹). «دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها». معرفت، ۲۹ (۳)، ۷۱-۸۲.
- جهان بین فرزند، معینی پور مسعود (۱۳۹۳). «فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)». مطالعات انقلاب اسلامی. ۱۱ (۳۹): ۲۹-۴۶.
- چهاردولی، عباس، یوسف وند، مهدی. (۱۳۹۹). «طراحی مدل برای توسعه بهتر سرمایه‌های انسانی مبتنی بر نیازهای خودتعیین‌گری و آموزشی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی)». فصلنامه توسعه آموزش جندی شاپور اهواز، ۱۱ (۳)، ۳۹۸-۴۱۰.
- حسینی، سیدجواد (۱۳۹۳). «بایسته های تمدن اسلامی در اندیشه شهید مطهری (ره)»، علوم انسانی اسلامی صدرا، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان.
- خرمشاد، محمداقبر، آدمی، علی. (۱۳۸۸). «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۲ (۲)، ۱۶۱-۱۸۸.
- دیوید، فرد آر (۱۳۸۲). مدیریت استراتژیک. ترجمه سیدمحمد اعرابی و علی پارساییان، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- ذوالفقار زاده، محمد مهدی، سعدآبادی ارانی، علی اصغر. (۱۳۹۴). «بازتعریف کارکردهای اصلی دانشگاه در جامعه بر اساس آرمان‌های اسلامی در اندیشه امام خمینی (رحمه‌الله)». مطالعات راهبردی بسیج، ۱۷ (۶۵)، ۵-۳۱.
- رهنما، محمدرحیم، خاکپور، براتعلی، صادقی، مجتبی. (۱۳۹۱). تحلیل مدیریت استراتژیک در کلانشهر مشهد با مدل Swot. جغرافیا و برنامه ریزی، ۱۶ (۴۲)، ۱۷۳-۱۹۸.
- سپهری، یعقوب، لیاقت دار، محمد جواد، اسفیجانی، اعظم. (۱۳۹۹). رویکردها و روش‌های یاددهی و یادگیری در دانشگاه‌های نسل چهارم از منظر اعضای هیات علمی: مطالعه موردی کیفی. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۱۲ (۲)، ۱۳۷-۱۶۱.
- سلطانی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۸). «بنیان های فکری تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، مطالعات راهبردی ناجا، ۴ (۱۴)، ۵-۲۹.
- سیاه‌پوش، سید ابوتراب. (۱۳۹۰). «ویژگی های دانشگاه تمدن‌ساز». جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱ (۲)، ۱۰۵-۱۲۲.
- شاه‌مرادی، مرتضی، شاه محمدی، محمد. (۱۴۰۰). «تعیین ویژگی های عناصر چهارگانه برنامه درسی دانشگاه عالی دفاع ملی

- با رویکرد ابتنائی». فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس، ۸(۳)، ۳۵-۴۶.
- عزتی، امیرحسین، چهاردولی، عباس، ترابی، محسن. (۱۳۹۹). «مؤلفه های تمدن نوین اسلامی و الزامات شکل‌گیری و ثمرات آن مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)». مدیریت اسلامی، ۲۸(۱)، ۷۵-۹۶.
  - قیامت، رضا (۱۳۹۸). «سیر تحول دانشگاه‌ها و دانشگاه تراز انقلاب از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی، تهران: مجموعه مقالات همایش ملی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز.
  - گودرزوند چگینی، مهرداد. (۱۳۹۷). رویکرد دانشگاه‌های نسل چهارم کار و عمل (مورد مطالعه: دانشگاه‌های کمبریج، استنفورد و هاروارد). فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۲۰(۷۸)، ۱-۱۶.
  - مبینی دهکردی، علی؛ سلمانی، احمد؛ معین‌الدینی، محمود. (۱۳۹۴). «بیانیه مأموریت دانشکده مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی در نظام آموزشی روزآمد». مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۳(۶۱)، ۱۱۵-۱۴۷.
  - مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار، تهران، صدرا
  - نجاران طوسی، حامد و همکاران (۱۳۹۸). دانشگاه تراز انقلاب اسلامی. تهران: دانشگاه جامع امام حسین.
  - یارمحمدزاده، پیمان و همکاران (۱۳۸۹). «تعیین روابط چندگانه میان فرایند مدیریت استراتژیک و مولفه‌های سرمایه فکری در دانشگاه‌های دولتی اصفهان»، آموزش عالی ایران، ۳(۲)، ۱۰۳-۱۲۴.
  - بخش‌میدانی، علیرضا، (۱۳۹۵)، «مبانی طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی میان‌مدت و سالانه سازمانی»، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
  - بیلو، پاتریک (۱۳۷۹)، «راهنمای اجرایی برنامه‌ریزی استراتژیک»، ترجمه منصور شریفی، تهران، نشر دهستان.
  - نوروزی، محمد تقی، (۱۳۸۵)، «فرهنگ دفاعی - امنیتی»، تهران، انتشارات سنا.
  - معاونت طرح و برنامه ستاد کل نیروهای مسلح، (۱۳۹۶)، «کلیاتی در خصوص طرح راهبردی».

### ب- انگلیسی

- Abraham, Stanley, (2012) strategic planning a practical guide for competitive success, US, Harwad house.
- Brayson, John (2011), creating your strategic plan, third edition , US
- Barksdole, susan and lound teri(2006), 10 steps to success strategic planning, Virginia alexandria.
- Fogg, Davis (1999), implementing your strategic plan, New York: AMACOM.
- Olsen, Erick ( 2007) strategic planning for dommies, New York: Wiley India Pvt. Limited.

### ج- سایت:

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۶)، «قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران»، قابل دسترسی در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91404>
- غلامی، رضا (۱۳۹۹)، «بیس‌ویژگی دانشگاه تمدن‌ساز»، قابل دسترسی در: <http://gholami.sccsr.ac.ir/?p=2438>
- فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۹). «مراحل دستیابی به تمدن نوین اسلامی»، دفتر مکتب و اندیشه دفاعی، قابل دسترسی در: <https://sndu.ac.ir/maktab/fa/news/2993>